

آموزه‌های عرفانی شیخ زین الدین محمود خوافی

تدوین: امیر سید محمد هروی

مقدمه، تصحیح و تعلیقات:
استاد غلام حیدر کبیری هروی



بہارِ افغانیہ



آموزه‌های عرفانی
شیخ زین‌الدین محمود خوافی
(متوفی ۹۶۷ هـ ق)

تدوین:
امیر سید محمد هروی

مقدمه، تصحیح و تعلیقات:
استاد غلام‌حیدر کبیری هروی



انتشارات نثارستان اندیشه

تهران ۱۴۰۲

سرشناسه	کبیری هروی، غلام حیدر، ۱۳۳۰ -
عنوان و نام پدیدآور	آموزه‌های عرفانی شیخ زین‌الدین محمود خوافی (متوفی ۹۶۷ ه‍.ق) / تدوین امیر سیدمحمد هروی؛ مقدمه، تصحیح و تعلیقات غلام حیدر کبیری هروی
مشخصات نشر	تهران: نگارستان اندیشه، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	۱۸۷ ص. ۵/۲۱×۵/۱۴؛ س م
شابک	978-622-5273-15-3
یادداشت	کتابنامه ص. [۱۸۳]-۱۸۴. نمایه
موضوع	قواس بهدی، زین‌الدین محمود، -۹۶۷ ق. -- وعظ. عرفان. اخلاق. تصوف. Sufism. Ethics. Mysticism
شناسه افزوده	هروی، سیدمحمد، قرن ۱۰ ق
رده‌بندی کنگره و رده‌بندی دیویی	۵/۱۰BP . ۸/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	۹۰۳۳۲۲۳

آموزه‌های عرفانی شیخ زین‌الدین محمود خوافی (م ۹۶۷ ه‍.ق)

تدوین: امیر سیدمحمد هروی
مقدمه، تصحیح و تعلیقات:
استاد غلام حیدر کبیری هروی

ناشر: نگارستان اندیشه
نوبت چاپ: نخست، ۱۴۰۲
نمونه خوانی و نمایه‌سازی: وحید دریابیگی
طراح جلد: سعید صحابی
شمارگان: ۳۳۰ نسخه
قیمت: ۱۴۰ هزار تومان
978-622-5273-15-3
حقوق نشر محفوظ است.

نقل بخش‌هایی از متن با ذکر منبع مجاز است.
نشانی: تهران، خ وحید نظری، بن بست فرزانه، شماره ۱۱، واحد ۳
تلفن: ۶۶۴۳۵۴۱۶ - نمایه: ۶۶۹۴۲۵۴۲

www.cins.ir - info@cins.ir



انتشارات نگارستان اندیشه

فهرست

۷.....	دریچه
۱۷.....	مقدمه
۲۳.....	شرح حال مختصر شیخ زین الدین محمود خوافی
۲۹.....	آموزه‌های عرفانی شیخ زین الدین محمود خوافی
۱۶۱.....	شرح اعلام
۲۵۵.....	منابع و ماخذ
۲۵۹.....	زندگی‌نامه مختصر استاد کبیری هروی (مصحح)

دریچه

الحکم لله؛

با درود و دعا به روح معلم پایمرد و سرافراز، استاد کبیری هروی:
تونستی که ببینی چه گونه پیچیده طنین شعر نگاه تودرتانه من
تونستی که ببینی چه گونه می گردد نسیم روح تودرباغ بی جوانه من^۱

انگار دیروز بود، بهار سال ۱۳۹۲ پدرم، جناب استاد کبیری فقید نسخه مکمل تصحیح شده با مقدمه و تعلیقات این کتاب را جهت پیشبرد امور فنی چاپ به من سپردند، بعد از تایپ، مدتی رویش کار کردم، نسخه ابتدایی را جناب استاد چند بار تصحیح نمودند و سرانجام در پاییز سال ۱۳۹۲ کتاب آماده چاپ گردید.

مدتی این مثنوی تاخیر شد و چند سال در آرشیف کُتب کامپیوترم استراحت نمود که این امر خالی از حکمت نبود.

این مهم مجال داد تا جناب استاد با پژوهش بیشتر، ویراست بهتر متنی و تجدید نظرهایی را درین پژوهش فراهم نمایند. از بعد فنی اعمال تجدید نظرها نیاز به فرصتی مناسب و دور از دغدغه های جاری و متعارف روزانه داشت، پس از تصحیح متنی، همواره سعی کردم امور فنی آن را تکمیل و چاپ کنم.

دریغا، جناب استاد به تاریخ ۲۸ میزان ۱۳۹۵ ما را تنها گذاشته، به دیار باقی و دیدار حضرت حق - سبحانه و تعالی - شتافتند. عرفا و درویشان را چه باک؟ وقتی مرگ آغاز جاودانگی و مقدمات دیدار اوتعالی است!

بهار سال ۱۳۹۹ به دلیل شیوع جهانی ویروس کرونا، بر حسب قرئطینه، قرار شد مدتی در خانه بمانم که درین موقع فرصت بیشتری یافتم تا بیش از پیش به تکمیل این کتاب پردازم، به فضل الهی موفق شدم ضمن تطبیق نظریات و هدایات جناب استاد فقید، کار آن را به اتمام برسانم تا چاپ و به دسترس علاقمندان قرار گیرد. انشالله

این کتاب روایتگر سخنان و آموزه‌های عرفانی شیخ زین‌الدین محمود قواس بهدادنی خوافی - رحمه الله علیه - است که بار نخست به وسیله شاگرد و مریدشان شیخ معین‌الدین در سال ۹۶۱ ه. ق، به نام «ارشاد الطالبین» در قندهار تدوین شده است.^۲

۲. شیخ زین‌الدین محمود بهدادنی خوافی (صاحب این اثر) از عرفای سده دهم هجری و پیرو طریقه شریفه نقشبندیه بوده که بیشتر در بهدادن خواف و مدتی هم در قندهار می‌زیسته، در سال ۹۶۷ ه. ق، در قندهار وفات یافته که جنازه او را به بهدادن آورده و همان جا به خاک سپردند. به دلیل همنامی و همشهری بودن این بزرگوار با جناب شیخ زین‌الدین ابوبکر برآبادی خوافی، متولد ۷۵۷ و متوفی ۸۳۵ ه. ق، تفکیک این دو نام مشابه اگر دقت نشود، خلط می‌گردد.

شیخ زین‌الدین ابوبکر خوافی - معاصر دوره تیموریان هرات - از عرفای مشهور سده نهم ه. ق و پیرو طریقه سهروردیه بوده و دارای آثار زیاد علمی و عرفانی است. نخست از خواف به دارالسلطنه هرات آمده و بعدها در منطقه بلوک گذره هرات، مرکز تدریس و خانقاه داشتند، مدتی برای حفر کاریز و گسترش سرسبزی در آن محل زحمات زیادی کشیده و آن را «درویش آباد» نام نهادند، بعدها آب آن کاریزها خشک شد و در سال ۱۰۳۲ ه. ق، حسن خان شاملو (حاکم وقت هرات) به پاکسازی و لای‌روبی کاریزهای نامبرده پرداخت که برای تهیه آب و

متعاقب آن یکی از مریدان شیخ به نام امیرسید محمد هروی در سال ۱۰۵۳ هـ.ق، به تدوین و تصحیح مجدد این کتاب تحت نام ملفوظات (سخنان شیخ زین الدین محمود خوافی) پرداخته است.^۳

سپس در سال‌های پسین (۱۳۵۶ هـ خورشیدی)، یکی از ارادتمندان این سلسله عرفانی، نسخه تدوین شده امیرسید محمد هروی را نستعلیق نویسی و زیبانگاری نموده که همین نسخه خطی به دسترس استاد فقید قرار گرفته بود. این نسخه نسبت به دیگر نسخ از لحاظ کیفی متفاوت و بهتری نمود. که گونه متنی آن نیز با کیفیت بهتر، بدون خط خوردگی و افتادگی کلمات است. متن پایان‌نمای کتاب در نسخ دیگر به عربی نگاشته شده، اما درین نسخه به فارسی نوشته شده و یک قطعه با یک رباعی از متن نسخ متقدم، بیشتر دارد. بعد کیفی متنی این نسخه نیز قابل تامل است، چون در آن با واژگان کاربردی که بیشتر در هرات معمول و متعارف است، برمی‌خوریم و احساس می‌شود نسخه خطی متذکره با توجه به تأخر زمانی معاصر، در شهر هرات نگارش یافته است.

تفاوت‌های واضح و روشن متنی در این کتاب با زبان نوشتاری رایج امروز هرات، به وضوح قابل مشاهده است، زیرا سخنان شیخ متعلق به دور سده دهم هجری است، روی همین ملحوظ شیوه نگارش آن برمی‌گردد به همان عصر یعنی سده دهم هجری قمری، که نثر آن دوره، شیوه و ویژگی‌های خودش را دارد.

سرسبزی آن محیط مفید و موثر واقع شد و نام «درویش آباد» را «حسن آباد» گذاشت. شیخ زین الدین ابوبکر خوافی در درویش آباد هرات وفات یافته و آرامگاهش در خیابان هرات، مشهور است. شرح بیشتر زندگی هردو بزرگوار در متن کتاب به وضوح قابل دسترس است.

۳. رک. برگ بی‌برگی (یادنامه استاد مایل هروی) متون فارسی / ملفوظات بهدانی خوافی / به

این تفاوت‌ها را جناب استاد کبیری به منظور رعایت اصل امانت‌داری و آیین پژوهشی، حفظ و از اِعمال نظریه‌های امروزی متنی و نگارشی خودداری کردند، متن را در همان حالت اصلی تصحیح نموده، مقدمه و تعلیقاتی بر آن افزودند تا برداشت و درک آن برای خواننده گرامی و آسان باشد.

موارد مشکوکی که در متن بوده سعی کردند با پژوهش استقرایی صحت و سقم آن را بیابند و به تصحیح آن بپردازند. ضمن آن مبتنی بر منابع معتبر عرفانی و تاریخی، اعلام نامبرده متن کتاب را در پیوست ضمنی شرح کردند.

متعاقباً اطلاع یافتیم که این متن را با رویکرد نسخه خطی موجود در مرکز فرهنگی پاکستان، آقای دکتر عارف نوشاهی تصحیح و در کتب: «برگ بی‌برگی، یادنامه استاد رضا مایل هروی، به کوشش نجیب مایل هروی، سال ۱۳۷۸ در تهران. و مقالات عارف، دفتر دوم، به کوشش دکتر عارف نوشاهی (نویسنده و پژوهشگر پاکستانی)، سال ۱۳۸۶ در تهران، چاپ و منتشر شده است».

متن کتاب را به خاطر اطمینان بیشتر با این دو نسخه متحدالمتن مقابله و مذاقه کردم که درین راستا، نسخه خطی مورد نظر جناب استاد کبیری فقید را به عنوان نسخه «الف» و نسخه تصحیح شده و چاپی آقای عارف نوشاهی را به عنوان نسخه «ب» نام نهاده و موارد متفاوتی که در مسیر مقابله مشاهده شد، آن را در پانویس‌ها با ذکر تفاوت‌ها، درج و خاطر نشان نمودم.

هرچند ملاک کار جناب استاد و تلاش‌های اخیر من در تدوین و تصحیح کتاب حاضر، همان نسخه خطی یادشده «الف» بوده است و بیشتر موارد متفاوت را در نسخه «ب» در پانویس درج کردم اما در موارد اندکی که نسخه «ب» ارجح مشاهده شد، آن را در متن ترجیح داده، مورد بدیل و متفاوت آن را در پانویس درج کردم.

کار مجدد روی این متن و فرایند مقابله سبب شد تا موارد زیادی از مشکلات متنی و ارجاعی را در متون چاپی نامبرده، بیابم. چنانچه در بُعد محتوایی، قسمت‌های زیادی از واژه‌ها، عبارات و گاهی پاراگراف‌ها در نسخ چاپی کم می‌نمود و در موارد ارجاعی هم شعر حضرت سعدی به نام حضرت حافظ رقم خورده بود. الخ...

اما چند نکته مهم پیرامون جان‌مایه این کتاب:

آنچه درین کتاب بیشتر مهم می‌نماید، همان نکات ارزشمند اخلاقی و آموزه‌های عرفانی است که با توجه به فضای مبهم تربیتی جاری و متعارف، نیاز است تا چنین آموزه‌های اخلاقی و عرفانی در جامعه منتشر و تعمیم یابد تا ازین طریق بتوانیم به معارف بهتر نسل‌های امروز و فردای کشور بپردازیم.

پرسشی که از نوجوانی ذهن من و نسل امروز این سرزمین را همواره کنجکاو ساخته این‌که: چگونه در گذشته‌های دور، سیاحان با خانواده، امتعه و امکانات‌شان با خیال راحت و لباس دل‌خواه به کشور ما آمده و هیچ‌گونه تهدید و آسیبی متوجه جان و مال‌شان نبوده و نمی‌شد؟

پاسخ مثبت این پرسش در عالم اسباب و معارف امروزی مبهم و محال به نظر می‌رسد، اما وقتی به متون این‌چنینی و آموزه‌های اخلاقی و عرفانی بزرگانی چون شیخ خوافی نظر اندازیم، هویدا است که عامل آن همه امنیت و اعتماد، تنها قهر حکام، قاطعیت قانون و فشار قوه قهری نبوده، بلکه بنیادهای تربیتی و آموزه‌های ارزشی نقش اساسی را داشته که نهاد مردم یا واحدهای اجتماعی، به صورت بنیادی از ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی متأثر بوده است، روی همین اصل، مردم به حقوق خود و حقوق همگان حرمت داشتند، ابعاد حقوقی و

تربیتی را رعایت می‌کردند که در واقع این روند خود متابعت از شریعت مقبول الهی، عرفان و اخلاق اسلامی و وجدان انسانی است.

امروز وقتی هیچ جایی امن نیست و هر سیاست باز و قامت پلشتی با دیده درایی و بی‌پروایی بر حقوق دیگران می‌تازد، بدون شک این همه هرج و مرج از نبود تربیت درست و ضعف نهاد اخلاقی و قوه ممیزه در جامعه است.

وقتی تربیت درست نباشد و معارف ارزشی نشود، مطمئناً چنین ذهنیت‌هایی، هوای قانون و متابعت از دستاویز حاکمیت را هم نخواهند داشت چه رسد به ندای وجدان و آموزه‌های اخلاقی.

چاپ و نشر این چنین منابع، زمینه اندوختن سریع ترسیر و سلوک تصوفی و عرفانی را برای سالکان فراهم می‌سازد تا به راحتی بتوانند آموزه‌های عرفانی را فراگیرند و آن را حرمت بگذارند. بدون شک با رشد و تعمیم آموزه‌های عرفانی و گرایش مردم به عرفان خوش‌خوی اسلامی، جامعه پالوده‌تر شده و ارزش‌های انسانی، تساهل و تسامح بیشتر قوت می‌گیرد. در چنین بستری مردم با روان آرام‌تر، اطمینان و امنیت بهتر زندگی می‌کنند.

این کتاب با نشانه‌های و افرا‌رجاعی در زمینه تصوف و عرفان، راوی سیر تاریخی و آموزه‌های عرفانی است که نثار کاوشگران این عرصه می‌نماید تا با توجه به مسایل حوزوی و موضوعی، مطابق ذوق‌شان به منابع و افکار چهره‌های عرفانی، اولیاء الله و آثارشان آشنا شوند و جهت بررسی بیشتر افکارشان به کتب مورد نظر و نشانه‌های مندرج این اثر، مراجعه نمایند.

بخش نخست این کتاب آموزه‌های عرفانی (سخنان) شیخ زین‌الدین محمود خوافی - رحمه الله علیه - است. متن آن چون به صورت متداوم با موضوعات مختلف ردیف شده از مرجع فاقد فهرست بوده است. چون محتوای

بخش آموزه‌ها انبوه نبود، ترجیحا آن را به حالت مرجع گذاشتم. هرچند می‌خواستم فهرست موضوعی ترتیب کنم، که کار آن از ده‌ها صفحه می‌گذشت و پی‌گیری چنین فهرستی برای خواننده کتاب مبهم و ملال‌آور می‌نمود.

جناب استاد کبیری فقید با گرایش‌های عرفانی و درایت علمی، روی این اثر زحمت زیادی کشیدند که خداوند بر حسنات و مغفرت‌شان بیافزاید، هم‌چنان پیوستی که بدان ضمیمه کردند برای همه خوانندگان محترم ارزشمند است. یعنی در بخش تخصصی و عرفانی برای سالکان راه و هم برای همگان به عنوان معلومات آفاقی و همگانی موثریت ویژه دارد، چون همه از منابع موثق تهیه و تدوین شده است.

لازم است خدمت تمامی دوستان پدرم که درین راستا با اخلاص ویژه به جناب استاد کبیری فقید، همکاری و همیاری داشتند، اساتید گرامی: جناب سلطان‌احمد غریق، جناب خودجو سبحانی و خواهرم عادلہ کبیری ابراز امتنان و قدردانی نمایم.

روح جناب استاد فقید شاد و بهشت گوارای شان

دکتر احمد معروف کبیری

بهار ۱۴۰۰

مقدمه

به نام آفریدگار دادگر

حمد و سپاس بی نهایت بر کردگار حی و ودود، آفریننده همه هست و بود، موصوف به صفات کمال و جلال و جبروت و یگانه یکتای عرصه وجود و شهود. درود بی پایان و سلام نامعدود بر رحمت عالمیان و شفیع روز موعود، و براهل بیت و یاران او که در سیر نیک بختی دارین و طریق مسعود، پیشوای امت اند. از آن جایی که انسان، این گل سرسبد آفرینش همیشه در تلاش رسیدن به مقام کمال است، این موجود مرموز و اعجوبه جهان وجود، همین که مراحل جمادی و نباتی و حیوانی را پشت سر گذاشت، می تواند به مقام ملکوت برسد و از آن بیشتر عروج کند، تا به جایی که مدعی شود:

پس عدم کردم عدم چون ارغنون گویدم: انا الیه راجعون
این جاست که در می یابیم هدف اصلی آفرینش او همین بوده و هست اما دو راهزن قوی و طرّاریکی شیطان و دیگری اهریمن نفس با جلوه دادن اشکال فریبنده و تصاویر دلربا، دام مکر خود را در مسیر راه انسان گسترده و موانعی را بر سر راه تکامل و عروج وی به وجود آورده است، ازین سبب گروهی از هدف اصلی باز می مانند و براه سمعه و ریأ و تعلقات دنیوی روی می آورند.

برای رهایی ازین دام دامن گیر، بعثت انبیأ روی کار شده تا نوع بشر را از دام

نفس و مظاهر آن برهاند تا به شاهراه حق و حقیقت رهنمون شده و به سرچشمه زلال فطرت برسد و از آب معرفت سیرآب گرداند. گفته‌اند که انسان‌ها همواره در قبال فرامین و رهنمودهای انبیا و فطرت انسانی خویش، بردو دسته‌اند:

گروهی را راهزن نفس و شیطان از راه راست منحرف ساخته و به قارون‌ها، نمرودها، ابوجهل‌ها و پیروان آن‌ها بدل نموده، اما گروهی در پرتو هدایات الهی راه سعادت و نیک‌بختی را یافتند که ایشان پیامبران الهی و پیروان راستین‌شان‌اند که در هر عصر و زمانی چون ستارگان فروزان، وسیله‌ی هدایت و رهنمود دیگران شدند.

با پایان بعثت انبیاء در هر سرزمینی، ستارگان دیگری در کسوت علما و عرفا ظهور نموده و مسئولیت خویش را که همان هدایت و ارشاد است انجام دادند و آثاری نیز از ایشان به یادگار مانده است.

یکی ازین بزرگان گستره عرفان جهان علم و عرفان و ستاره‌های درخشان سده دهم وادی خراسان، جناب قطب محققین، سالک راه یقین و صاحب کشف و الهام، شیخ زین‌الدین محمودخوافی -رحمة الله علیه- است که با تهذیب نفس و صفای باطن به مقام علیای کمال رسیده، سبب تزکیه نفس و تصفیه باطن دیگران گردیده و در پهلوی تربیت سالکان، اثر عرفانی خویش را هم برای پیروان راه حق، به یادگار گذاشته است.

تا ازین گنج معانی حظ وافی یافتیم

شیخ را ذوالنون مصر و بشر حافی یافتیم

جرعه نوش بزم می‌دیدیم گویا شاه را

مشرکش را هم چو آبِ خضر صافی یافتیم

آن چه می‌جُستیم در تحقیق مذهب سال‌ها

در کلام شیخ زین‌الدین خوافی یافتیم

یکی از روزهای پُرخاطره، با داکتر عبدالله رحمانی که خود از کتاب‌دوستان اند، گرم صحبت بودم، در جریان صحبت‌ها کتاب دست‌نویسی را به اختیارم گذاشت که مجموعی از سخنان شیخ زین‌الدین محمود خوافی، عارف شهیر سدهٔ دهم بود.

به روایت تاریخ، حضرت شیخ در زمان حیات خویش مجالس عرفانی داشتند که در آن سخنانی جهت تربیه و تنویر افکار ارادتمندان بیان می‌فرمودند. یکی از حاضرین مجلس، تمامی آموزه‌های عرفانی‌شان را نوشته و مجموعه‌یی از سخنان آن بزرگوار را به نام «ارشاد الطالبین» فراهم ساخته بود. متعاقب آن، مخلص دیگری از پیروان سلک عرفان به نام امیرسیدمحمد هروی از اهالی هرات، به تدوین و یازنویسی آن نسخه پرداخته و نام «ملفوظات یا سخنان شیخ زین‌الدین محمود خوافی» را بر آن نهاده است.

نسخهٔ هذا، براساس همان نسخه خطی «امیرسیدمحمد هروی»، مذاقه و تصحیح و تعلیق نویسی شده که اکنون نسخهٔ چاپی آن را در دست دارید. این مجموعهٔ آموزه‌های عرفانی که همه بر محور علم و عرفان و تزکیه نفس استوار بود، از دسترس ارادتمندان دور مانده بود، برآن شدم تا روی این اثرگران بها تحقیق کنم.

هرچند درین راستا برای مقابله نسخ متعددی به دسترس نداشتیم و متن مورد نظر نیز متعلق به همان سدهٔ مربوطه و شیوهٔ همان عصر نگاشته شده که نخواستم بدان تغییری وارد گردد، با آنهم مبتنی بر روش‌های تحقیق و دقت تمام، روی مقدمه، تمامی متن، تصحیح و حواشی آن کار کردم و نیز شرح اعلام و شخصیت‌های که در این رساله ذکر شده بود، از منابع معتبر تهیه و به عنوان تعلیقات ضمیمهٔ کتاب ساختم.

هم‌چنان مواردی که مبتنی بر آیات قرآنی بود، با ضمیمه پانویس‌های ارجاعی و بعضی حواشی، سعی کردم روند درک و تفهیم بیشتری را در زمینه متن، برای خوانندگان محترم تسهیل نمایم.

امید است، هرگاه خوانندگان گرامی کاستی را مشاهده کردند به خامه عفو اصلاح فرموده، ممنون سازند و از دوستان همکار درین راستا ابراز سپاس و قدردانی می‌نمایم.

غلام‌حیدر کبیری هروی

هرات، بهار ۱۳۹۲

شرح حال مختصر شیخ زین الدین محمود خوافی

شیخ زین الدین محمود خوافی (شیخ محمود قوّاس بهدادنی) از عرفای بزرگ خطّه خراسان است که حوالی سده دهم هجری می زیسته. وی در قریه منطقه «بهدادن» روستای برآباد خواف چشم به جهان گشوده است.

تعلیمات ابتدایی را نخست در مدرسه «خرجرد خواف»^۴ فراگرفته و سپس در پی تحصیلات بیشتر و کسب کمال، با این داعیه که چون «کلام خدا و حدیث پیامبر عربی است، باید بدانم که چه گفته اند تا به آن عمل کنم و اگر کسی از من معنی آیتی پرسد به نوعی توانم گفت که اگر به جای نقل کند، اشتباهه نباشد.»^۵ آستین همت بالا زده است.

بناء به وسیله پیر و استاد خویش شیخ اسفندانی با مولانا غیاث الدین احمد آشنا شد که مولانا غیاث الدین احمد فرزند ارشد مولانا علاء الدین آبیزی مکتب دار بوده و در زمان حیات خویش به بزم صحبت مولانا سعد الدین

۴. خرگرد، از توابع شهرستان خواف است که مدرسه بزرگی دارد و این مدرسه به نام این منطقه مسمی بوده و تا امروز نیز به عنوان مدرسه خرگرد، یکی از آبدیه های تاریخی است که معماری آن را به قوام الدین شیرازی (معمار مشهور عصر تیموری) نسبت می دهند.

۵. مقالات عارف، به کوشش دکتر عارف نوشاهی، دفتر دوم / ملفوظات شیخ زین الدین

کاشغری، شرف حضور یافته بود.^۶

شیخ زین الدین محمود خوافی با دست ارادت به نزد پیرو مراد خویش مولانا نورالله اسفندانی، پیرو طریقهٔ خواجگان نقشبندیه بود و متعاقباً از مشایخ این طریقه گردید.^۷ وی در راستای طی طریق عارفانه، از جانب مخلصین و ارادتمندان، به القابی چون حضرت عرفان‌پناه، قطب‌المحققین، سالک مناسک الطریقه والیقین، زین الحق و الحقیقه والدنای والدین شهرت یافته بود.

شیخ زین الدین محمود خوافی از رهپویان وادی عرفان در روزگار خود و نیز از مشایخ نامی طریقهٔ شریفهٔ نقشبندیه بود که به جامع علوم ظاهری و باطنی و میان علوم از اول تا آخر توفیق استقامت یافته، بر جادهٔ شریعت و متابعت سنت کاملاً پایدار بودند.

شیخ پیوسته در اصلاح جامعه و شرح آموزه‌های عرفانی و نیز در ارشاد و تبلیغ زحمات و تلاش‌هایش بی دریغ بوده است.

حسب روایت‌های تاریخی، مولانا زین الدین محمود خوافی، در اواخر عمر از «بهدادن» به هرات سفر نموده و از هرات برای رعایت مناسک حج خانهٔ خدا به مکه معظمه رفت.

سپس از مکه شریف به بهدادن برگشت که در آن زمان شاهد بروز و ظهور فتنهٔ قزلباش در بهدادن بود، روی همین ملحوظ زادگاهش را ترک کرده، به

۶. وفات غیاث الدین احمد در اواسط قرن دهم هجری رخ داده که در جوار زیارت سعدالدین کاشغری در هرات، دفن است. مقالات عارف / دفتر دوم / نسماۃ القدس. نسخهٔ اسلام آباد، ص ۶۲، ۶۴

۷. مقالات عارف / مولانان اسفندانی از کبار اصحاب مولانا سعدالدین کاشغری (م ۸۶۰ هـ) بود.

قندهار سفر نمود والی اخیر عمر در آن جا ساکن گردید.^۸

سال وفات ایشان به صورت دقیق در تذکرة‌های متعدد درج نشده است. کشمی نگاشته است، که شیخ محمود قواس «فی سنة نیف و ستین و تسعمائة - یعنی سنه نهصد و شصت و اند - در قندهار از دنیا برفت و نعش او را از آن جا به بهدادن نقل کردند».^۹ محمدصادق دهلوی سال وفات او را ۹۶۷ هـ در زمان اکبر پادشاه نگاشته است.^{۱۰}

شخصیت‌های عرفانی چون: شیخ محمد امین هروی، مولانا خواجه، شیخ معین الدین، مولانا محمد اسعد معروف به مولانا میرکلان و قاطعی هروی که از مریدان وی بوده و در حلقه تدریس وی اشتراک داشتند، که پیرو شیخ زین الدین محمود خوافی بودند و پس از وفات شیخ خرقه عرفانی او را به دوش داشته و ادامه دهنده راه او پنداشته شده‌اند.^{۱۱}

کتاب حاضر (ملفوظات شیخ زین الدین محمود خوافی) نخست توسط شیخ معین الدین هروی، نبیره مولانا معین واعظ هروی، که در حلقه درس و وعظ شیخ حضور داشته، بنا به روایت بعضی منابع در سنه ۹۶۱ هـ ق، تدوین و کتابت شده و نام «ارشاد الطالبین» را به خود گرفته و بیشتر به عنوان منبع رهنمودی برای سالکان راه و مریدان و مبتدیان مطرح بحث بوده است.^{۱۲}

۸. مقالات عارف، به کوشش دکتر عارف نوشاهی، دفتر دوم، ملفوظات شیخ زین الدین محمود قواس / شیخ معین الدین هروی (تحریر کننده ارشاد الطالبین) تاریخ این سفر را ۹۶۱ هـ ق نگاشته است.

۹. همان / ص ۳۸۲ / نسمة القدس (نسخه اسلام آباد)، ص ۴۵

۱۰. همان / طبقات شاهجهانی، نسخه دیوان هند، لندن، شماره ۷۰۵، برگ ۲۲۶ که در تعلیقات مجمع الشعرای جهانگیرشاهی، ص ۲۳۱ از آنجا نقل قول شده است.

۱۱. مقالات عارف / ص ۴۸۳

۱۲. نسخه خطی آن در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۴۸۹۹، ثبت و موجود است.

متعاقب آن مخلص دیگری به نام امیرسید محمد هروی در سال ۲۰۵۳ هـ، تالیف و تدوین مجدد آن پرداخته همان نسخه را در سده‌های بعدی مخلصین و ارادتمندان دیگری نیز با خط نستعلیق بازنویسی و زیبا نویسی نموده‌اند. با توجه به منابع مورد نظر تا کنون غیر از همین اثر که به چند گونه و دو نام در ادوار مختلف تدوین و نشر شده، کدام اثر دیگری منسوب به شیخ زین‌الدین محمود خوافی، به مشاهده نرسیده است.

آموزه‌های عرفانی شیخ زین الدین محمود خوافی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذى نورّ قلوب العارفين بتجليات الانوار وجعل ارواح المحبين محل ظهور الاسرار الذى تحير عقول المشتاقين فى بيداء احديته باعلام الاغيار ومن فرط غلبة سلطان ظهوره «لَا تُذَكِّرُكَ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يَذَرُكَ الْأَبْصَارُ»^{۱۳} [الانعام / ۱۰۳]. والصلاة والسلام على رسوله محمد سيد المختار الداعى الى اعدّ تبليغ آيات التفسير والانذار وعلى اهل بيته الاكرمين الاطهار وعلى اصحاب النجباء من المهاجرين والانصار وسلم تسليمًا كثيرًا.

اما بعد، اين كلمه چند است از كلمات كه در مجالس برزبان مبارك حضرت عرفان پناه، قطب المحققين، سالك مناسك الطريقة واليقين، زين الحق والحقيقة والديناي^{۱۴} والدين، محمود البهدادنى^{۱۵} الخوافى - عليه الرحمه والرضوان - مى گذشته ويكى از اعزّه آن را در قيد كتابت آورده تا

۱۳. ترجمه: چشم‌ها او را نمى بينند؛ ولى او همه چشم‌ها را مى بيند.

۱۴. الف / والتقوى

۱۵. بهدادين، دهى است از توابع خواف

دوستان را یادگاری بود. ملتمس از مطالعه‌کنندگان این کلمات شریف آن‌که، هرگاه از شرف مطالعه این مسرور گردند، مؤلف و جامع این مجموعه امیرسید محمد^۱ را به دعای خیراستمداد نمایند و از روحانیت بزرگوار حضرت خواجه بزرگ و اعزّه و اکابر سلسله شریفه ایشان - رضوان الله تعالی علیهم اجمعین - استعانت طلب نمایند.^۲ و من الله العصمة والعون.

فمن تلك الكلمات القدسية:

می‌فرموده‌اند که حضرت یوسف - علیه السلام - پیراهن خود را اوّل نزد حضرت یعقوب - علیه السلام - فرستاد تا بوی کرده، بینا شود، تا چون آن را ببیند، بشناسد. هم‌چنین^۳ حضرت حق جلّ جلاله اول کلام حمید مجید خود را به بندگان خود فرستاد^۴ تا علامات او ببینند و راه او بیرونند، تا چون او را ببینند، بشناسند. می‌فرمودند که شما مأمورید به گفتن کلمه شهادت و گزاردن نماز و ادای روزه و زکات و گزاردن حج اسلام و طلب نمودن حلال و مجتنب بودن از حرام، و لیکن مأمور نیستید به طلب کشف و کرامات و خوارق عادات. پس درین زمان چون سرّ کار برکس ظاهر نیست، راه شرع را از دست ندهید که هیچ‌کس به مقام بلند و درجه ارجمند ابرار یعنی بزرگان نیکوکار نرسیده،^۵ مگر به ملازمت سنت‌ها سنت‌ها و گزاردن فریضه‌ها و دور بودن از جاهلان.^۶ لقلوله تعالی: «و اعرض

۱. نسخه / میرسید محمد

۲. الف / توسل جویند

۳. ب / کذا لک حق جلّ جلاله

۴. الف / اول کلام حمید مجید را فرستاد تا...

۵. الف / هیچ‌کس به مقام بلند کار نرسیده مگر است.

۶. ب / گزاردن فریضه‌هایی به وقت و صحبت نیکان و محترز بودن از جاهلان.

عن الجاهلین» [الاعراف ۱۹۹] زیرا که صحبت به اهل دنیا و مردم بیگانه چون زهر قاتل است.

نظم

صحبت ابلهان چو دیگ تهی است^۱ اندرون خالی و بیرون سیهی است
می فرمودند که امیر سید قاسم انوار-قدس سره- می فرموده‌اند که از کمان
ندافی می فهمیم که از عنوان «دور به، دور، دور، دور به»^۲
می فرمودند که پیروی امام خود کنید که نتیجه و ثمره آن را خدای تعالی در
آخرت به طریق امانت به شما خواهد رساند.

شیخ الاسلام هری در رساله خود آورده‌اند: که درین زمانه سرمایه عمر را در
طلب کردن طلاء احمر حقیقت نباید فرسود و با نقره ظاهر شریعت قناعت باید
نمود، که آن چه در دار الضرب این دو جوهری که امام اعظم ابوحنیفه کوفی و
امام همام شافعی مطلبی-رضی الله عنهما- [اند] به سکه قبول رسیده در دکان
صیرفی قیامت رایج و روان خواهد بود.

می فرمودند که شیخ زین‌الدین خوافی-علیه الرحمه- می فرموده‌اند که بعد
ازین اسم «الْبَاطِنُ» مربی اهل حق خواهد بود و کسی از اهل حق ظاهر نخواهد
شد. اگر کسی دعوی این امر کند، قلابی خواهد بود و مربی او اسم «المذل»^۳.
شیخ ابوالحسن خرقانی-قدس سره- گفته‌اند^۴ تا امانت از میان خلق برخاسته،

۱. الف / صحبت جاهلان سیاه و تهی است، اندرون خالی و بیرون چوبهی است

۲. ب / از عنوان دور به، دور، دور، دور به

۳. ب / قلابکی خواهد بود و اسم «المذل» مربی او

۴. ب / گفته است

وی دوستان خود را نهان کرد و معنی سرایر ولایت ایشان پوشیده گشت.^۱
حضرت شیخ ابوعثمان مغربی- قدس سره- فرموده‌اند که عاصی از مدعی
بهرتر بود، از برای آن که عاصی همیشه راه طلب پوید و مدعی به خیال دعوی
خویش گرفتار آمده باشد و به این تقریب این بیت را خواندند:

نظم

طاووس بیرون پریده از باغ زان نعره زنان همی رود زاغ^۲
و شاه طیب نیز درین معنی سخنی دارند که:^۳

نظم

هر که او بر سر کوی توبه دعوی باشد

هیچ شک نیست که محروم ز معنی باشد

گومزن لاف محبت که حرام است براو

هر که او را هوس دنیا و عقبی باشد

می‌فرمودند که مولانا غیاث‌الدین احمد، صحبت به اهل صورت خوش
نداشتند، زیرا همه دنیایی شده‌اند و از حقیقت بی‌خبر و غافل.^۴ میرسید احمد
گندم‌پاک کن [را] با وجود آن که از اهل کشف بود خوش نداشتند. می‌فرمودند
مرد سردی است، برای آن که هر جا دعوتی است می‌خواهد که به آن جا رود،
هرگاه کسی که از اهل سعادت و کشف باشد، ازین مقدار توجه او به طعام میل
نباید داشت. پس کسی که از اهل نفس و هوی باشد و میل جاه در خاطر داشته

۱. ب / وی دوستان خود را نهان کرد. معنی سرایر ولایت ایشان پوشیده گشت.

۲. ب / طاووس بیرون پرید از باغ- زان نعره زنان همی رود زاغ.

۳. ب / این عبارت نبود.

۴. ب / مولانا غیاث‌الدین احمد به اهل صورت خوش نداشتند...

باشد، چگونه او را خوش دارند؟^۱

نظم

بر رخ هر کس که نیست داغ غلامی دوست

گر پدر من بود، دشمن و اغیارم اوست

*

هزار خویش که بیگانه از خدا باشد فدای یک تن بیگانه که آشنا باشد!
می‌فرمودند که هیچ راستی نمی‌تواند کج رفت و هیچ کجی نیز راست نمی‌توان
رفت، هم چنان که از هیچ مردی چیزی نمی‌آید و از هیچ چیزی مردی نمی‌آید.
می‌فرمودند که مولانا غیاث‌الدین احمد^۲ بسیار می‌فرمودند: و من العصمه آن
لا تقدُر یعنی از عصمت حق است که تو را قدرت به^۳ معصیت نمی‌دهد. و
گفته‌اند اهل معصیت سه صفت دارند: کبر و حسد و حرص. و همه کس
طاعت نتواند کرد و از معصیت دور بودن کار صدیقان است و مجاهدان.
می‌فرمودند که این زمانی است که کسی را معتقد و منکر نتوان بود.^۴ سربه‌سربه
خلق خدا باید بود، یعنی از مدح و ذم ایشان ساکت باید بود و صحبت به نفاق
نباید داشت که نفاق به خلق خدا، نفاق با خدا و رسول است. می‌فرمودند: حضرت
سعدی شیرازی^۵ بیتی فرموده که دلالت می‌کند بر انزوا و کم اختلاطی با مردم.

نظم

۱. ب / پس کسی که اهل نفس و هوا بوده باشد و میل جاه در خاطر داشته باشد، چگونه به او خوش دارند.

۲. الف / مولانا غیاث‌الدین

۳. ب / قدرت بر معصیت

۴. ب / نمی‌باید بود

۵. الف و ب / حضرت حافظ شیرازی بیتی فرموده...